چـراهای رهـا و پـویا

تهیه شده توسط
تیم پژوهشی ضمیمه
zamimeh.org

درباره ضمیمه

«ضمیمه»، اولین کمپین رفع تبعیض جنسیتی از کتاب‌های درسی و فضای مدارس ایران است که با اتکا بر اصل اساسی «حق دسترسی به آموزش فارغ از تبعیض» تلاش کرده است تا برای مقابله با فرهنگ و محتوای آموزشی جنسیت‌زده در نظام آموزشی ایران گامی عملی بردارد.

«ضمیمه» فعالیت خود را با انجام پژوهشی درباره محتوای بصری و متن کتاب‌های درسی پایه‌های اول تا ششم مدارس ایران آغاز کرد. بر اساس نتایج تحقیق انجام‌شده، همکاران «ضمیمه» امکان آن را یافتند تا محتوای آموزشی فاقد سوگیری‌های جنسیتی را به عنوان جایگزین محتوای کنونی برای معلمان و خانواده‌ها فراهم کنند. کمپین «ضمیمه» در عین حال تلاش کرده است نه تنها معلمان و والدین را درباره تبعیض‌های موجود آگاه کند که آن‌ها را با روش‌های متنوع آگاهی‌رسانی درباره تبعیض جنسیتی در کلاس درس و محیط مدرسه آشنا و برای مقابله با آن تجهیز کند.

تیم «ضمیمه» با این باور فعالیت کرده است که **کودکان شایسته دسترسی به آموزش‌هایی متناسب با استانداردهای حقوق بشر هستند** و در خلا اراده رسمی، این وظیفه آموزگاران، والدین و فعالان آموزشی است که نسبت به محتوا و فرهنگ نابرابر موجود در کتاب‌های درسی و محیط مدارس در ایران آگاه شوند و کودکان را تا جای ممکن در برابر آن حمایت کنند.

ضمیمه

اولین کمپین رفع تبعیض جنسیتی از کتاب‌های درسی

zamimeh.org

@zamimehorg

درباره کتابچه «چراهای رها و پویا»

تیم پژوهش و ترویج «ضمیمه» با تدوین کتاب «چراهای رها و پویا» سعی کرده است با بهره‌بردن از تصویرسازی منحصر به فرد و محتوای اختصاصی، داستانی جذاب و آموزنده برای والدین و کودکان فراهم کند. این کتاب، داستانِ رها و پویا، دو خواهر و برادر کنجکاو است که با مادر مجرد و شاغل‌شان زندگی می‌کنند، اما مادر با پدر بچه‌ها و پدربزرگ نیز در رابطه‌ای صمیمی است و روابط‌شان برابر و خالی از تنش است و عشق به طبیعت و حیوانات با فضای خانوادگی آن‌ها درهم تنیده است. از دسته‌گل‌ها و ماکارونی‌های پدر گرفته تا بازی شطرنج با پدربزرگ و دوستی با پیشی، گربه نجات‌یافته‌شان، هر بخش از این داستان فرصت‌هایی را برای پرسش و کشف فراهم می‌آورد.

در این کتاب نه تنها به رها و پویا امکان داده شده است تا احساسات و کنجکاوی‌های خود را نسبت به نمونه‌های نابرابری جنسیتی بروز دهند، بلکه به خوانندگان آن نیز کمک می‌شود تا به یاد بیاورند جریان تبعیض‌آمیز امور «معمولی و طبیعی» نیست. با دنبال کردن ماجراهای این خواهر و برادر، کودکان می‌توانند درک عمیق‌تری از مفهوم خانواده، مسئولیت و احترام متقابل در یک فضای برابر به دست آورند.

فهرست مطالب

معرفی ۱
مگه پسرها هم لاک می‌زنند ۶
چرا باید مقنعه سر کنم ۱۲
پسری که بافتنی دوست داشت ۱۹
آرزوی خلبان شدن ۲۶
عروس شدن ۳۴
دخترا ناموس پسرا نیستن ۴۱
دوست دارم بزرگ شدم مستقل بشم ۵۰
به سیندرلا فکر کنن ۵۷
مادری که فرزندش را به دنیا نیاورده ۶۳
به من نگو تو ۶۸
دلم می‌خواد گریه کنم ۷۳
زبان مادری ۸۰
روز جهانی زنان ۸۷
مگه زن‌ها هم می‌تونن داد بزن ۹۳
آرزوهایی برای سال جدید ۱۰۱

رها و پویا، خواهر و برادر ۷ و ۵ ساله‌ای هستند که با مادر مجرد و شاغل خود که عاشق گل و گیاه است زندگی می‌کنند. در روزهایی از هفته آن‌ها به خانه پدر خود می‌روند و ماکارونی‌های خوشمزه او را می‌خورند. روزهایی که والدینشان کارهای بیشتری برای انجام دادن دارند، پدربزرگ از آن‌ها نگهداری می‌کند. این فرصتی‌ست تا با بابا جون شطرنج بازی کنند.

آن‌ها عاشق حیوانات و طبیعتند، برای همین تعطیلات آخر هفته یا هر فرصت دیگری را ، همه با هم به مسافرت خانوادگی می‌روند و در کنار هم، از تعطیلات و طبیعت لذت می‌برند.

داشت یادمان می‌رفت که عضو دیگر این خانواده را معرفی کنیم: **پیشی**. مادر دو سال پیش، پیشی را با پای شکسته از یک پناهگاه حیوانات به خانه آورد تا بتواند خانه‌ای گرم و با محبت را تجربه کند.

رها و پویا مثل بسیاری دیگر از کودکان، هزاران پرسش دارند، پرسش‌هایی که حتی طرح کردن‌شان، به چالش کشیدن **کلیشه‌ها**ست. آن‌ها به این راحتی قانع نمی‌شوند و می‌خواهند از چرایی همه چیز سردربیاورند.

در این مجموعه با ما همراه شوید تا با هم پرسش‌های رها و پویای کنجکاو را بشنویم، به آن‌ها فکر کنیم و **پاسخ‌های مناسب بیابیم**.

مگه پسرا هم لاک می‌زنن؟

چـراهای رهـا و پـویا

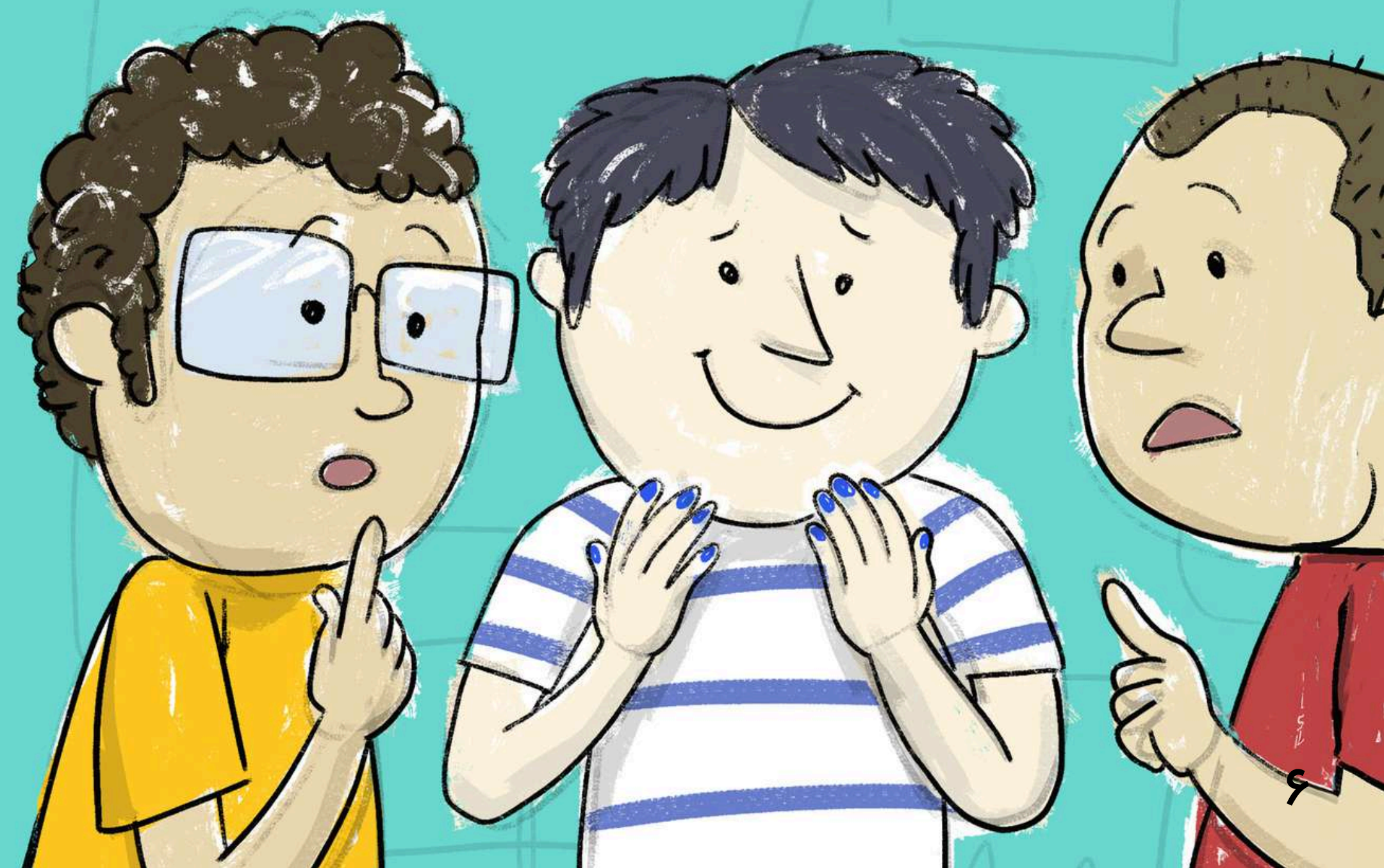

امروز سهراب لاک زده بود،
خانم معلم گفت پسرها
لاک نمی‌زنن!

بعضی‌ها اینطوری فکر می‌کنن. تو چی فکر می‌کنی؟

خیلی خوشگل بود،
من دوست دارم
لاک قرمز بزنم.

منم فکر می‌کنم همه بچه‌ها و هر کسی که دوست داشته باشه، می‌تونه لاک بزنه.

رنگ قرمز خیلی قشنگه. من عاشق رنگ قرمزم!

چرا باید مقنعه سر کنم؟

چـراهای رهـا و پـویا

چه سوال خوبی. خودت چی فکر می‌کنی؟
چرا من باید مقنعه سر کنم ولی پویا نه!

چون دخترها باید
مقنعه سر کنن؟!

قانون مدرسه اینه. ولی معنی‌اش
این نیست که هر چی که قانونه
خوبه. همیشه باید سعی کنیم
قانون‌های بد رو عوض کنیم.

چرا قانون نیست
پسرا باید مقنعه
بپوشن؟

چون بعضی‌ها فکر می‌کنن
لباس دخترها و پسرها باید
فرق داشته باشه.

خیلی مسخره‌ست. من اینطور فکر نمی‌کنم.
منم اینطور فکر نمی‌کنم.

پسری که بافتنی دوست داشت

چـراهای رهـا و پـویا

چقدر قشنگه، از کجا یاد گرفتی مامان؟

از مامانم یاد گرفتم، همیشه برام شال گردن و پولیور می‌بافت.
به منم یاد می‌دی؟

تو پسری. پسرا که بافتنی نمی‌بافن!
کی گفته؟

همه می‌دونن. مامان‌بزرگ و مامان بافتنی می‌کنن. دیدی بابا بافتنی ببافه؟

بابا بافتنی دوست نداره. تو اگر دوست داری می‌تونم بهت یاد بدم.
آخ جون. دیدی رها خانم.

آرزوی خلبان شدن

چـراهای رهـا و پـویا

من دوست دارم
خلبان بشم.

ما که نمی‌تونیم خلبان بشیم!
چرا نمی‌تونیم؟

چون ما دختریم, خطرناکه، تازه
باید خونه باشیم از بچه‌ها
مراقبت کنیم!

اگر رها بچه داشته باشه من
می‌تونم نگهش دارم.
می‌خواهید چند تا زن خلبان
ببینید؟

بـله
بله بله

ببینید این زن‌ها
همه خلبانن.

منم می‌خوام خلبان بشم.

عـروس شـدن

چـراهای رهـا و پـویا

من نمی‌خوام
عروس بشم.

کت و شلوار دایی علی
تو عروسی دیشب خیلی
قشنگ بود، منم تو عروسی تو
کت و شلوار می‌پوشم.

وقتی بزرگ بشم هم نمی‌خوام عروس بشم.
الان که نه، وقتی بزرگ شدی.

نمی‌شه که! همه‌ی دخترا
عروس می‌شن و پسرا
داماد، نه مامان؟

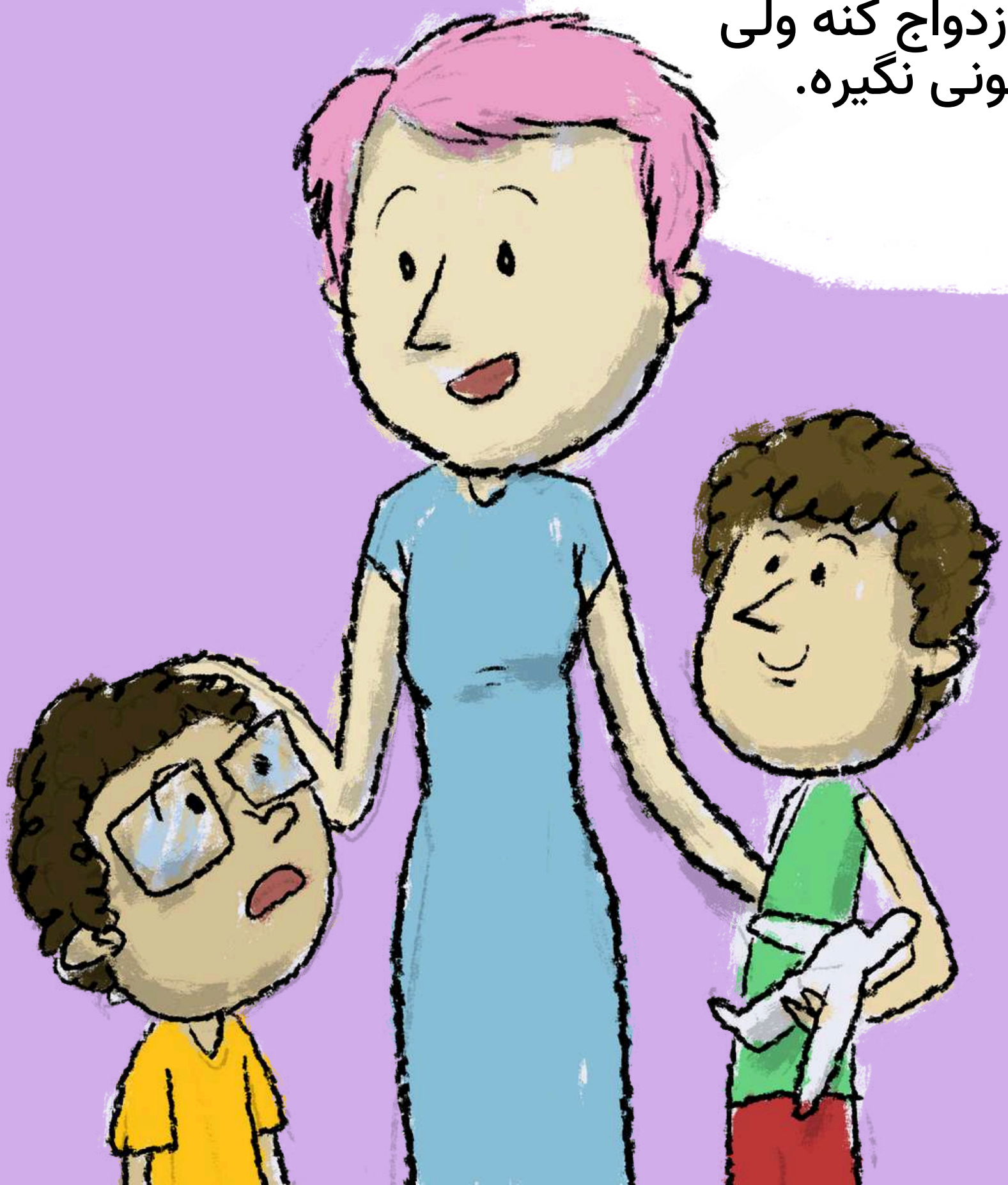
نه همشون! ممکنه کسی دوست نداشته باشه ازدواج کنه. یا ازدواج کنه ولی مهمونی نگیره.

ولی من دوست
دارم مهمونی
بگیرم و با عروس
برقصم!

پس ما هم می‌آییم
تو مهمونی تو
می‌رقصیم.

دخترا ناموس پسرا نیستن؟

چراهای رها و پویا

بابا، چرا من باید هر بار رها
می‌ره بیرون باهاش برم؟

کی گفته هر بار تو هم باید
باهاش بری بیرون؟

اون روز علیرضا گفت. اون گفتش ما
پسرها باید مواظب خواهرهامون باشیم.
اونا ناموس ما هستن.

منظورت ناموسه؟ من اینطور فکر نمی‌کنم و از این کلمه هم استفاده نمی‌کنم.

یعنی نباید ازش مراقبت کنیم؟

هر وقت برای بیرون رفتن بچه‌ها، چه دختر و چه پسر، مراقبت لازم باشه، بزرگترا همراه‌شون می‌رن. اما کلا، همه اعضای خانواده می‌تونن مراقب هم باشن و از هم حمایت کنن. دختر و پسر نداره.

شنیدی من هیچ وقت بگم رها یا مامانت ناموس ما هستن چون ما پسریم؟
نه، هیچ وقت نشنیدم.

دوست دارم بزرگ شدم

مستقل بشم

چراهای رها و پویا

من دوست داشتم
پسر باشم.
چرا؟

اگر پسر بودم وقتی بزرگ شدم
می‌تونستم برم تنها زندگی کنم. من
خیلی دوست دارم یه خونه واسه
خودم داشته باشم.

کی گفته دخترا نمی‌تونن مستقل زندگی کنن؟ وقتی بزرگ شدی اگر دوست داشتی می‌تونی بری مستقل زندگی کنی.

واقعا می‌تونم؟ فکر می‌کردم زشته دخترا تنها زندگی کنن.

اصلا زشت نیست. وقتی رفتی
سرکار و تونستی خونه اجاره کنی
می‌تونی مستقل شی. ما هم
می‌تونیم کمکت کنیم.

وای ممنون مامان. من هم می‌خوام کلی گل داشته باشم تو خونه‌ام.

به سیندرلا فکر نکن

چراهای رها و پویا

خانم گفته باباها باید برگه اجازه اردو رو امضا کنن، بیا امضا کن.

خب من این برگه رو می‌گیرم و زیرش می‌نویسم هر چی مامان رها بگه که معلمت بدونه مامانت هم می‌تونه امضا کنه.

مامان باباها هر دو بلدن چطور مراقب بچه‌شون باشن، مگر اینکه مامان بابای خوبی نباشن.
مثل نامادری سیندرلا؟

این برگه رو بده به مامانت
امضا کنه و برو اردو و به
سیندرلا هم فکر نکن.
خودت باش.

رهـــا
رها باشم؟

مادری که فرزندش را به دنیا نیاورده

چـراهای رهـا و پـویا

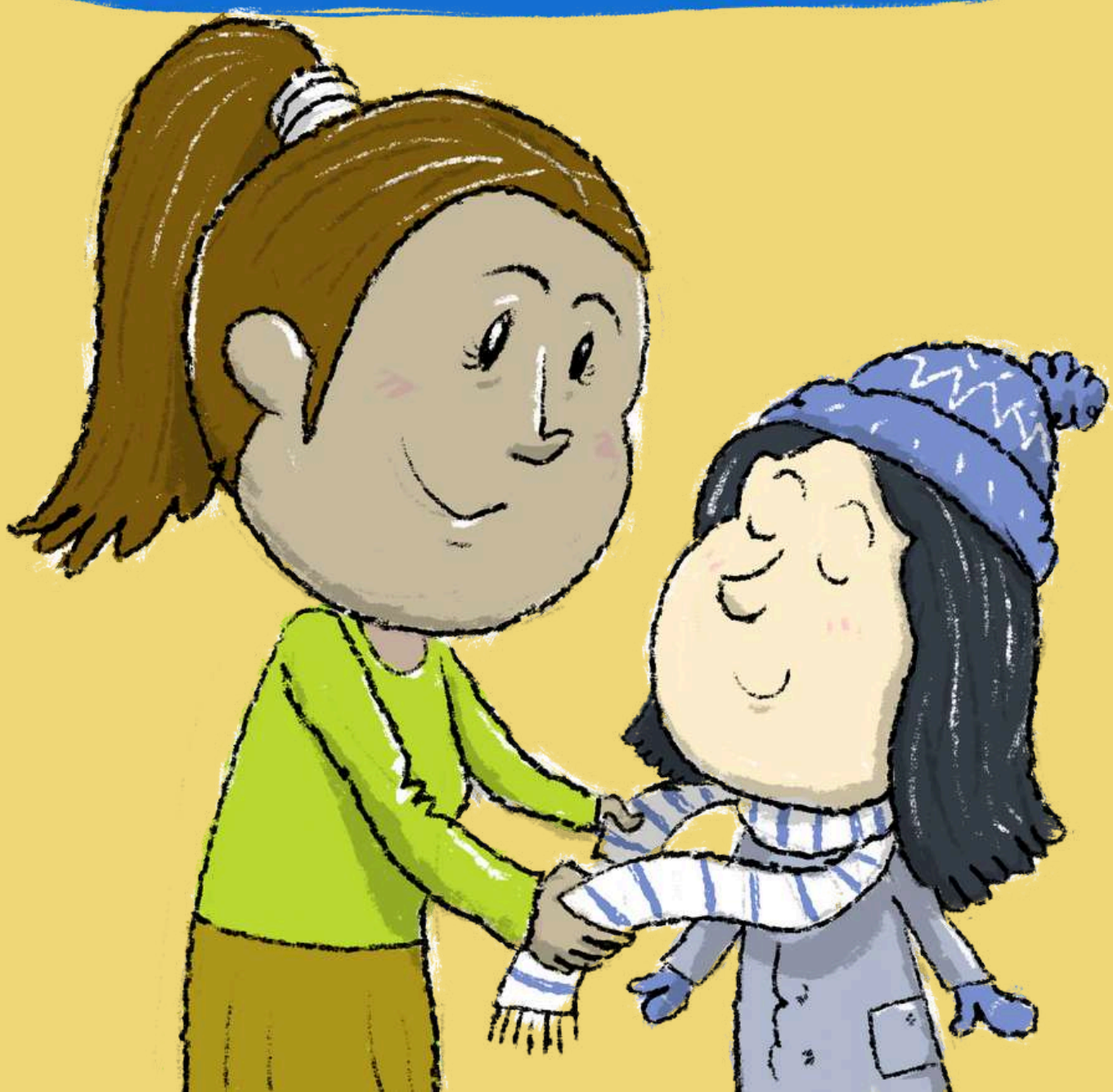

این منم وقتی مامانم منو به دنیا آورد.
خیلی بامزه بودی. من با مامانم از این عکسا ندارم، چون مامانم منو به دنیا نیاورده.

یعنی نامادری داری؟
نه مامانمه، فقط من رو به دنیا نیاورده.

آدم‌ها فقط با به دنیا آوردن مادر نمی‌شن، ممکنه بچه‌ای را به فرزندی بگیرن یا با کسی تشکیل خانواده بدن که فرزندی داره.

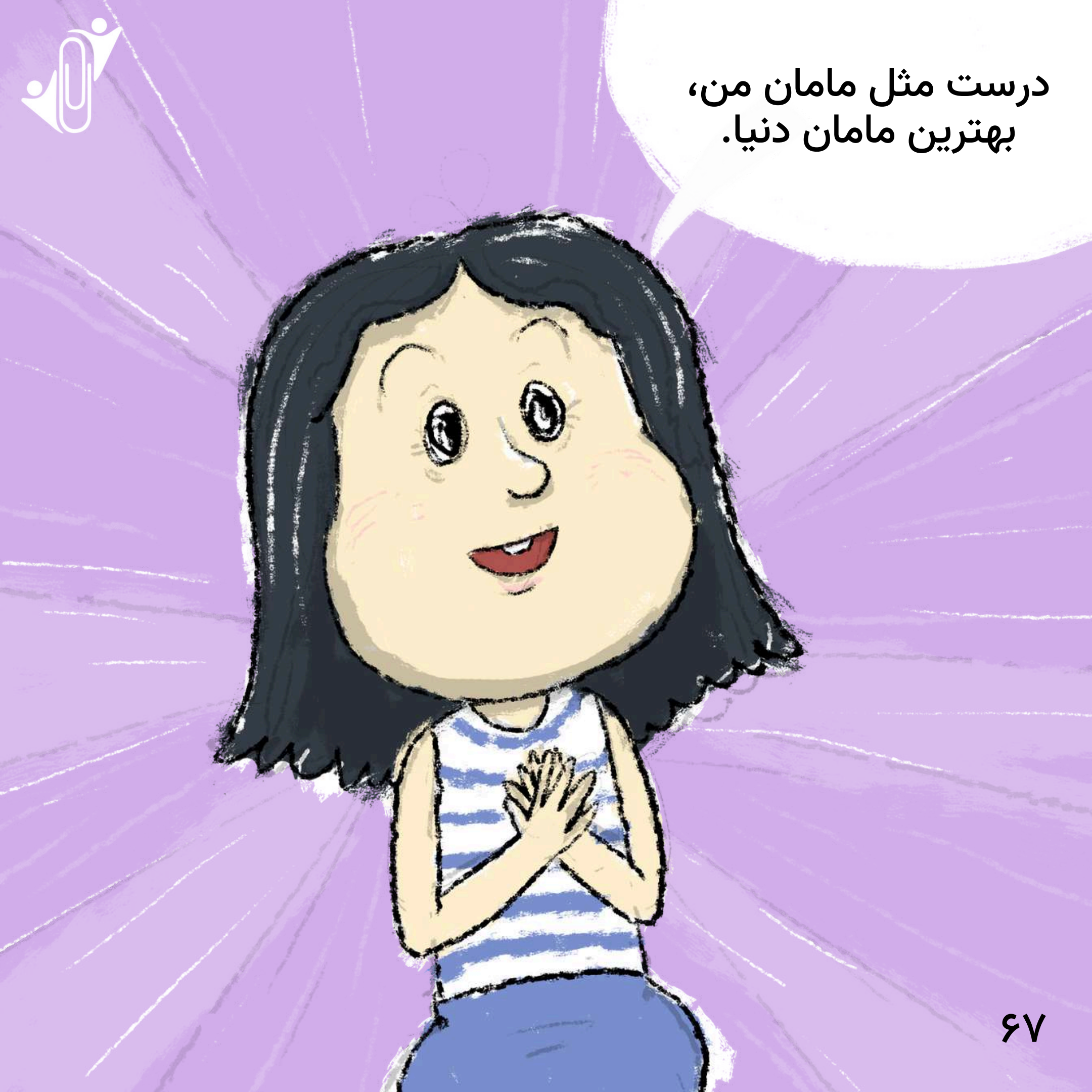
درست مثل مامان من،
بهترین مامان دنیا.

به مـن نگــو تــو!

چـراهای رهـا و پـویا

آفرین، چقدر حواست جمع است!
مامان چرا تو به آقاهه گفتی شما، اون به تو گفت تو؟

بعضی مردها خصوصا وقتی سن‌شان بالاتر است زن‌ها را تو صدا می‌کنند.
مثل وقتی به ما بچه‌ها می‌گن تو؟ ولی تو که بچه نیستی!

اصلا می‌دونی چیه؟ بیا همین جا وسط این پیاده‌رو وایسیم و به هم قول بدیم از این بعد هر کی که باید بهمون بگه شما، گفت تو، همون جا بهش بگیم بگو شما. قول؟
قــول!

تو نه شما!

دلم می‌خواد گریه کنم!

چـراهای رهـا و پـویا

مدرسه چطور بود؟
...

اگر از چیزی ناراحتی می‌تونی به من بگی.
افتادم زمین و زانوم درد گرفت.

متاسفم. الان بهتره؟ یا هنوز درد می‌کنه؟
بهتره! ولی گریه کردم!

آریا بهم خندید.
گفت مثل دخترا گریه می‌کنی!
چه اشکالی داره؟

گریه کردن که فقط برای دخترا نیست. همه می‌تونن گریه کنن و خیلی طبیعیه.
بزرگ‌ترها هم گریه می‌کنن؟ حتی شما؟

آره! من وقتی دلم برای مادربزرگ تنگ می‌شه گریه می‌کنم تا آروم بشم.
منم وقتی دلم تنگ می‌شه می‌خوام گریه کنم.

زبان مـادری

چـراهای رهـا و پـویا

منظورت چیه نمی‌دونه خواهر یعنی چی؟
امروز باوان، دوستم، تو کلاس گفت نمی‌دونه خواهر یعنی چی!

فهمیدم. چون کُردی زبان مادریشه. باوان باید خیلی باهوش باشه که هم کردی بلده و هم فارسی.
آخه گفت به زبون کُردی بهش می‌گن «خوشک» و فارسیش رو بلد نبود.

یعنی زبانی که خانواده باهاش حرف می‌زنن و به بچه‌هاشون آموزش می‌دن.
زبان مادری؟ یعنی چی؟

بله احتمالا. البته بعضی از خانواده‌ها ممکنه زبان مادری رو به بچه‌شون یاد ندن تا فقط فارسی حرف بزنه.
یعنی باوان تو خونه کُردی با مامان باباش حرف می‌زنه ولی تو مدرسه با ما فارسی؟

بله! حق همه‌ست که زبان مادریشون بهشون آموزش داده بشه و حتی به زبان مادری بتونن کتاب و درس بخونن.
چقدر حیف می‌شه.

من می‌تونم از باوان کُردی یاد بگیرم؟
چرا که نه؟ عالی می‌شه.

روز جهـــانی زنـــان

چـراهای رهـا و پـویا

این‌ها چیه مامان، من می‌تونم بخونمشون؟
بله که می‌تونی. این‌ها کتابچه‌هایی هستن که به مناسبت روز جهانی زنان تهیه کردیم تا بدیم به همکارهامون.

این روز تعیین شده تا دستاوردهای زنان جشن گرفته بشه و درباره‌ی چالش‌هاشون حرف بزنن.
یعنی باید برات کادو بخریم؟

چه دستاوردهایی؟
اینکه تو می‌تونی درس بخونی و من می‌تونم کار کنم نتیجه سال‌ها تلاش زنان در سراسر جهانه. خیلی از حقوقی که امروز داریم را قبلا نداشتیم و با مبارزه‌ی زن‌های قبل از ما به دست اومدن.

آره، این هم یکی از مشکلات ماست. منم دارم تلاش می‌کنم که در محل کارم درباره‌ی حقوق زنان آگاهی بدم به بقیه.
آهان فهمیدم! منم باید تلاش کنم که بتونم بدون مقنعه برم مدرسه.

تو هم می‌تونی کمک کنی. جهانی که همه‌ی آدم‌ها از حقوقشون برخودار باشن برای همه امن‌تر و سالم‌تره. برای همین همه باید براش تلاش کنیم.
منم می‌خوام کمک کنم!

مگه زن‌ها هم می‌تونن داد بزنن؟

چـراهای رهـا و پـویا

خانم صدات را بیار پایین من فقط تذکر دادم.
لباس من هیچ ایرادی نداره. در کار من دخالت نکن.

بعضی‌ها به اشتباه فکر می‌کنن زن‌ها نباید داد بزنن.
چرا آقاهه به خانمه میگه صدات را بیار پایین.

شما حق نداری به من تذکر بدی، حواست به کار خودت باشه.
خانم حالا چیزی نشده، چرا داد می‌زنی، رد شو برو.

بیا بریم جلو. در این مواقع نباید بی‌تفاوت باشیم.

چرا مزاحم این خانم شدید؟ عذرخواهی کنید و برید لطفا.

آقا اشتباه کردید، لباس این خانم به شما ربطی نداره، برید.

حالتون خوبه؟
بله! ممنون، پسر خوب.

آرزوهایی برای سال جدید

چراهای رها و پویا

این عیدی شما.
حالا بگید ببینم برای
سال جدید چه
آرزوهایی دارید؟

امیدوارم، سال‌ها سخت تلاش کرده‌ای.
من آرزو می‌کنم سالم و شاد باشیم کنار هم، همین‌طور امیدوارم امسال بتونم مدیر بشم.

منم آرزو می‌کنم سلامت باشیم همه‌مون. دوست دارم امسال کارم سبک‌تر بشه بتونم بیش‌تر با رها و پویا وقت بگذرونم.
هورا. بریم کوه با هم.

موتور مال بزرگسال‌هاست، وقتی بزرگ شدی می‌تونی بخری.
من آرزو می‌کنم ظرفیت کلاس کاراته زود پر نشه و امسال بتونم برم کلاس کاراته. آرزو می‌کنم یه روز هم اجازه بدید موتور بخرم.

من می‌خوام هر روز بیام خونه بابا ماکارونی بخورم.
خوشمزه‌ترین ماکارونی دنیا.

منم آرزو می‌کنم آرزوهای همه‌تون برآورده بشه، و آرزوی منم برآورده شه.

ضمیمه
اولین کمپین رفع
تبعیض جنسیتی
از کتاب‌های درسی
zamimeh.org
@zamimehorg